

● گفت‌وگو را با تازه‌ترین اثر هنری شما «دیفنه» آغاز می‌کنیم، آلبومی که نام آن گویای گنجینه زحمات شما طی سال‌ها فعالیت در عرصه موسیقی است. ابتدا در خصوص شکل‌گیری این آلبوم و علت طولانی شدن مدت انتشارش توضیح دهید؟

همانطور که اشاره کردید مجموعه قطعات آلبوم «دیفنه» متعلق به ۳۰ سال قبل است که به‌دلیل مشغله کاری فرصتی برای انتشار نیافت و اخیراً این امکان به‌وجود آمده تا این قطعات را به‌صورت آلبوم در اختیار علاقه‌مندان قرار بدهم. این آثار از سال‌های بعد از ۱۳۶۰ و در مدت زمان حدود یک دهه بتدریج نوشته شده‌اند که بخش عمده‌ای از آن مربوط به موسیقی فیلم و سریال بوده که البته در کنار آن قطعات ارکسترال هم نوشته شده است. نکته دیگر اینکه در تمامی کارها پویژه در بخش فیلم و سریال بازسازی‌هایی انجام گرفته و این بازسازی‌ها، زمان بسیاری برمن تحمیل کرد و در این سال‌ها فرصتی به‌وجود نیامد تا بتوانم این کارها را به سرانجام برسانم. در واقع بعد از سال ۱۳۸۸ و بازنشستگی از دانشکده موسیقی دانشگاه هنر تهران فرصتی به‌دست آوردم تا بتوانم به کارهای ماندهم رسیدگی کنم و کارهای جدیدی انجام بدهم که نهایتاً تبدیل به آلبوم دیفنه شد. البته پیش از این، آلبوم دیگری منتشر کردم با عنوان «محلی‌ها» که برای چهار ساز ایرانی سنتور، سه تار، و عود نوشته و تنظیم شده و به‌همراه یارتیتو قطعات است.

● همانطور که اشاره کردید در آلبوم «دیفنه» موسیقی فیلم و سریال‌ها هم شنیده می‌شود که در واقع کلاری از مجموعه کارهای شما است. چرا این کارها در همان سال‌ها و هم‌زمان با فیلم منتشر نشد؟

نوشتن آثاری برای فیلم یا سریال درلا به‌لای انبوهی از کارها و روزمرگی‌هایم انجام گرفته است. من سال ۱۳۵۶ و بعد از اتمام تحصیلات از آلمان به ایران بازگشتم که درواقع روزهای ابتدایی انقلاب بود و در آن دوره تلاش ما این بود در دانشگاه هنر چشم‌اندازی از حضور موسیقی در عرصه دانشگاه دیده شود و در این باره می‌بایست برنامه‌ریزی‌های متعددی برای رشته‌های موسیقی که مصوب نبودند انجام می‌گرفت که سرانجام این کار انجام شد و در نهایت باید این توضیحات و تصمیمات را به شورای عالی برنامه‌ریزی وزارت علوم می‌بردم و از یک به یک این رشته‌ها دفاع می‌کردم تا مجوز آموزش آن در دانشگاه‌ها صادر شود و این رشته‌ها دایر گردند. نکته دیگر تأسیس یک دانشکده یا مرکز برای تدریس این رشته‌ها بود. پیش از انقلاب دو هنرستان عالی وجود داشت که در حد مدرسه عالی بودند و منزلت یا جایگاه یک دانشکده موسیقی را نداشتند. بنابراین با کمک دوستان دانشگاه هنر برنامه‌ریزی‌های رشته‌های موسیقی تدوین شد و سرانجام دانشکده موسیقی دانشگاه هنر تهران در پردیس کرج دانشگاه هنر راه‌اندازی کرد که البته همه این موارد زمان بسیاری گرفت و فرصتی برای انجام کارهایم به‌وجود نیامد و به این موضوع ادامه داشت تا سال ۸۵ که بازنشسته شدم.

● با توجه به این فعالیت‌ها، شریف لطفی از دیدگاه شما یک آهنگساز است یا معلم؟

از ۱۲ سالگی که کمک پدرم به هنرستان عالی موسیقی راه‌پیدا کردم، پدرم نوازنده ویولن و از شاگردان استاد ابوالحسن صبا بود و بسیار علاقه داشت موسیقی را به‌صورت حرفه‌ای ادامه بدهم و سرانجام توانستم لیسانس موسیقی را از هنرستان عالی موسیقی دریافت کنم و هم‌زمان با کار در ارکستر سمفونیک تهران، در ارکسترهای اپرا و باله تهران نیز همکاری داشتم و بعد از اتمام تحصیل به عنوان دانشجو ممتاز و با استفاده از بورس تحصیلی به کشور آلمان و شهر هامبورگ عزیمت کردم و تحصیلات خود را در زمینه رشته پدیدآورنده موسیقی و رهبری ارکستر ادامه دادم و بعد از ادامه تحصیل به ایران بازگشتم. در آن روزها علاقه و تلاش من این بود تا جایی که ممکن است پیایگاه آکادمیک موسیقی کشورمان را تقویت کنم که خروجی این کار دانشکده موسیقی بود. بنابراین از زمانی که به ایران بازگشتم، مدرس دانشگاه بودم و همچنین به کار تدریس می‌پردازم و البته در مواردی کار رهبری ارکستر را هم انجام داده‌ام. اولین کار که با عنوان رهبر ارکستری ویژه فرهنگ‌ساز ۵۸ بود، آن زمان ارکستر دانشگاه تهران را تشکیل داد و توانستم آثار بسیاری از آهنگسازان ایرانی و خارجی را با این ارکستر اجرا کنم و بعد از آن به ارکستر سمفونیک فرهنگسرای بهمن دعوت شدم و با این ارکستر نیز کارهای بسیاری اجرا شد و سرانجام ارکستر فیلارمونیک تهران را تشکیل دادم که رهبری آن برعهده من بود که در پرتو کارهای متعددی از آثار آهنگسازان ایرانی خصوصاً جوانان و همچنین آهنگسازان خارج از ایران با این ارکستر اجرا گردید و در حال حاضر هم سخت درگیر راه‌اندازی و توسعه انجمن فیلارمونیک ایران هستم.

● آیا دوره هم در صداوسیما فعالیت داشتید؟

فعالیت من در صداوسیما به این نحو بود که بسیاری از شاگردانم، با ارکستر صداوسیما وقت هم همکاری داشتند. آن زمان بخش موسیقی صداوسیما در میلان آرگ بود و این شاگردان گلابه مند از اجرای کارهای یکنواخت ارکستر بودند که همه آنها به‌صورت سرود بود، بنابراین تصمیم گرفتم کارهایی را تنظیم یا آهنگسازی کنم تا آثاری صرفاً غیر از سرود هم بتوانند اجرا کنند و به دفعات هرگاه که فراغتی حاصل می‌شد این کارها را برای ارکستر صداو سیما می‌نوشتم و اجرا می‌گردید که مجموعه این آثار در آرشیو صداوسیما موجود است.

ایران بودید؟

بله و یکی از کاندیداهای ساخت سرود ملی بودم اما فرد دیگری برنده و سرودش ساخته شد.

● از مهم‌ترین فعالیت‌های شما در عرصه موسیقی ایجاد دانشکده موسیقی است. فضای آموزشی آن دوران با به‌امروز چگونه از زیبایی می‌کند؟ سال ۱۳۷۳ موفق شدیم دانشکده موسیقی را در پردیس کرج دانشگاه هنر افتتاح کنیم. البته هنگامی که

این تصمیم گرفته شد دانشگاه هنر تهران فضایی برای این موضوع نداشت و چون یک مرکز پر سروصدایی به لحاظ ساز و آواز است، نیاز بود در محیط بازتری این دانشگاه راه‌اندازی شود بنابراین در تهران این امکان میسر نشد و به پردیس دانشگاه هنر کرج رفتم و دانشکده موسیقی را در آنجا پایه‌گذاری کردم. آن زمان آقای دکترمعین وزیر وقت علوم بودند و کلنگ ساخت‌وساز این دانشکده را زدند، آن هم در محلیی بیابانی که اطرافش هیچ خانه مسکونی وجود نداشت. در همان سال، اولین ساختمان را به اتمام رساندیم و نیمه دوم مهرماه سال ۷۳ دانشکده را با کمترین امکانات افتتاح کردیم و ریاست آن را بر عهده گرفتم (از سال ۷۳ تا ۸۸) و آرام آرام فضاسازی محیط پردیس کرج دانشگاه هنر شکل گرفت. البته هم‌زمان با سرپرستی محیط پردیس کرج، دانشگاه هنر تهران موجودیت پیدا کند و به ثبات برسد اما در حال حاضر که همه چیز موجود است و شاگردانم به ترتیب مسئولیت ریاست آنجا را برعهده گرفته‌اند، این تغییرات مدیریتی هر چند سال یک بار در حال انجام است و انتخاب مسئول، از سوی اعضای هیات علمی صورت می‌گیرد و منصوب می‌شوند.

از دیدگاه من بازدهی یک مدیرهنری تا زمانی می‌تواند مثبت ارزیابی شود که بتواند یک محیط نوپا را به عرصه توانایی‌های اولیه خود برساند. ● در دانشکده موسیقی دانشگاه هنر چه رشته‌هایی تصویب و در حال حاضر تدریس می‌شود؟ رشته‌هایی که برنامه‌ریزی کرده بودیم و مصوب دولتی شده بودند عبارتند از رشته کارشناسی موسیقی نظامی، رشته کارشناسی و کارشناسی ارشد نوازندگی موسیقی ایرانی، رشته کارشناسی و کارشناسی ارشد نوازندگی موسیقی جهانی، رشته کارشناسی و کارشناسی ارشد آهنگسازی، رشته کارشناسی ارشد اتنوموزیکولوژی.

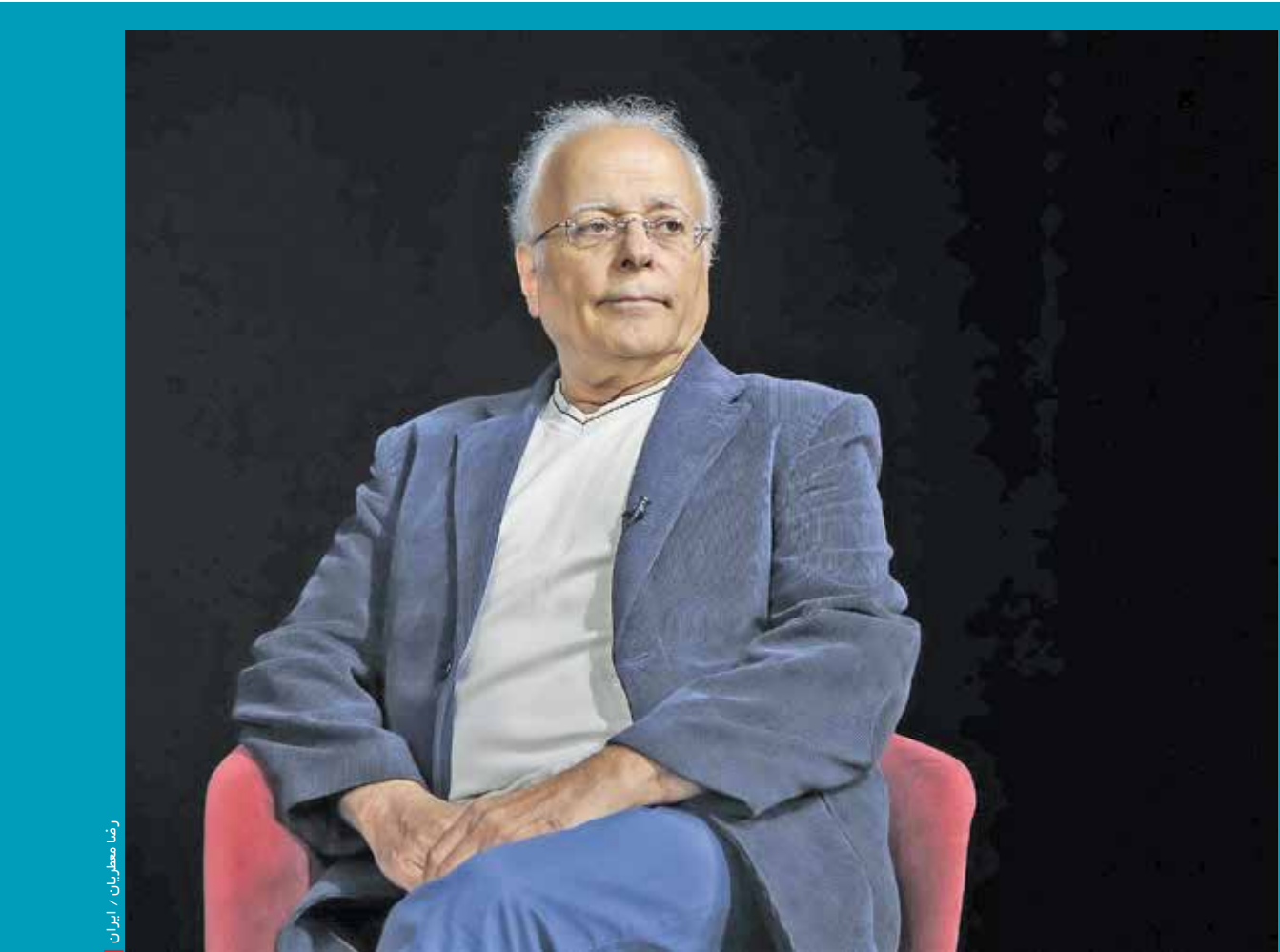
بله همین‌طور است. طولانی شدن مدیریتم به این علت بود که یک آغازی باید شکل می‌گرفت تا موجودیت پیدا کند و به ثبات برسد اما در حال حاضر که همه چیز موجود است و شاگردانم به ترتیب مسئولیت ریاست آنجا را برعهده گرفته‌اند، این تغییرات مدیریتی هر چند سال یک بار در حال انجام است و انتخاب مسئول، از سوی اعضای هیات علمی صورت می‌گیرد و منصوب می‌شوند.

از دیدگاه من بازدهی یک مدیرهنری تا زمانی می‌تواند مثبت ارزیابی شود که بتواند یک محیط نوپا را به عرصه توانایی‌های اولیه خود برساند.

● در دانشکده موسیقی دانشگاه هنر چه رشته‌هایی تصویب و در حال حاضر تدریس می‌شود؟

رشته‌هایی که برنامه‌ریزی کرده بودیم و مصوب دولتی شده بودند عبارتند از رشته کارشناسی موسیقی نظامی، رشته کارشناسی و کارشناسی ارشد نوازندگی موسیقی ایرانی، رشته کارشناسی و کارشناسی ارشد نوازندگی موسیقی جهانی، رشته کارشناسی و کارشناسی ارشد آهنگسازی، رشته کارشناسی ارشد اتنوموزیکولوژی. آن دوران که به عنوان رئیس وقت هنرستان عالی موسیقی انتخاب شدم (سال ۵۸ و به آرای شورای هماهنگی) بسیار کاوش کردم تا تحصیلاتم در زمینه موسیقی نتیجه و خروجی مثبتی داشته باشد. آن زمان منوجه شدم برنامه‌های آموزشی هنرستان موسیقی صرفاً متکی به شورایی از استادان تحت عنوان شورای فنی است؛ شورایی که برای دوره‌های تحصیلی از چهارم ابتدایی تا چهارم هنرستان عالی موسیقی برنامه‌ریزی آموزشی انجام می‌دادند و درون گروهی

■ پنجشنبه ۲۰ خرداد ۱۴۰۰  
 ■ سال بیست‌وهفتم  
 ■ شماره ۷۶۴۸



رضا معظریان / ایران

## گفت وگو با شریف لطفی، آهنگساز، نوازنده هورن، پداگوژیست موسیقی و رهبر ارکستر تحول در نگرش موسیقی از دانشگاه تا جامعه

نداسجانی... توجه به تحصیل و آموزش در امر موسیقی، موضوعی است که از ابتدا استادان بزرگ موسیقی به آن تأکید داشتند و سعی شان بر این بود شاگردان خود را به درستی با این مباحث آشنا و آگاه کنند تا آنجا که این رسالت نسل به نسل و سینه به سینه گشت تا اکنون که به دست نسل نوظهور موسیقی رسیده و بایستی صیانت از آن را به دست برعهده داشته باشند، اما همچنان در بخش آموزش موسیقی و در مراکز مهمی همچون هنرستان‌ها و دانشگاه‌ها بحث و انتقاداتی وجود دارد که لازم است مسئولان مرتبط‌تر بساخت‌های ضروری را ساماندهی کنند. شریف لطفی یکی از همین استادان شناخته‌شده و با تجربه موسیقی ایران است و آنقدر می‌بخت آموزش موسیقی برای او حائز اهمیت بود که بخشی از تحصیلات خود را در رشته پداگوژی (آموزش) گذراند و همچنان تأکید دارد این رشته باید در دانشگاه‌ها و هنرستان‌ها گنجانده شود، البته او در کنار این کارها در حرفه‌هایی همچون رهبری ارکستر، آهنگسازی، پژوهش و نویسندگی ... و هم فعالیت داشته و دارد؛ با این موسیقیدان با سابقه به انگیزه انتشار آلبوم تازه اش در خصوص مشکلات امروز فضاهای آموزشی، رهبری ارکسترو... گفت‌وگو کردیم که می‌خوانید.

پوشش دهند. اخیراً با کمک یکی از شاگردانم آقای علی ابراهیمی کتابی منتشر شده با عنوان «آفرینش درموسیقی ایرانی» و در این کتاب الگو و ساختارهایی تعریف شده، از نظر خود دستگای موسیقی ایران گرفته شده است و از خصایص انسانی ما در فضایی که با موسیقی ایرانی مرتبط هستیم و همچنین الزامات اکوستیک صوت، این کتاب می‌تواند پایه‌ای باشد برای آهنگسازان در عرصه موسیقی ایرانی تا دیگر نگاهی به موسیقی غرب نداشته باشند و به استاد همین عناوینی که گفتم آهنگسازی شود و جامه ایرانی بر تن ملودی‌های ایرانی کنیم، من و همکارانم در این سالیان تلاش کردیم آنچه از دستمان برمی آید مضایقه‌نگنیم تا آن‌ا شاء الله شاهد اتفاقات خوبی در این عرصه باشیم و کتاب «آفرینش درموسیقی ایرانی» مبنایی برای ادامه دیگر کتاب‌های آموزشی باشد و نسل‌های بعد در جهت تکمیل و توضیح آن قدم بردارند تا آهنگسازی ما متکی به رشته‌های خودمان باشد.

● برخی از آهنگسازان ایرانی چندسالی است در تلاشند سازها و ملودی‌های خود را در کنار سازها و ملودی‌های غربی قرار دهند و با این تغییرات دست به تولید موسیقی با عنوان فیوزن یا تلفیقی زده‌اند؛ نظر شما در این باره چیست؟ آیا این نوع کارها تعریف درستی از موسیقی فیوزن است؟

نسل ما از آغاز انقلاب ملی دانستند که جمهوری اسلامی موافقتی با موسیقی ندارد، بنابراین اگر قرار بود فعالیت‌های صورت بگیرد باید مجوز آن بتدریج صادر می‌شد. در همان دوران با اصل و مطرح کردن عنوان موسیقی مشکلاتی وجود داشت و نمی‌توانستیم بگوییم موسیقی و گفته می‌شد سرود و آهنگ‌های انقلابی و تلاش کردیم که بگوییم سرود و آهنگ‌های انقلابی جزئی از ارکان این موسیقی است که موسیقی انقلابی نام گرفته است و آرام آرام با این شرایط حرکت کردیم تا آنکه به نقطه‌ای رسیدیم که متوجه شدیم صوت مشکوک پلامانع است؛ آن هم در زمانی که ۸ سال موسیقی در فضاهای آموزشی و اجرایی تعطیل بود. بنابراین بنا بر همین سخن آغاز برنامه‌ریزی‌های موسیقی را از دانشگاه شروع کردیم و امروز این فرصت‌ها پیش آمده و موسیقی میسر خود را طی کرده و به جلو آمده و بدیهی است باید از همه انواع موسیقی در صورتی که رتبه فاخر داشته باشند استقبال بسیاری به عمل آید. بر این اساس مسئولیت بزرگ این حرکت بر گردن هنرستان موسیقی و دانشگاه‌های موسیقی است و فکرمی‌کنم بتدریج جایگاه حقیقی این مساله پیدا خواهد شد اگرچه زمان بسیاری صرف می‌شود. اما در خصوص موسیقی تلفیقی باید بگوییم اگر سازهایمان بتدریج کنار سازهای غربی قرار بگیرد هیچ اشکالی وارد نیست به این دلیل که از این طریق می‌توانیم سازهای خود را به دنیا معرفی کنیم، بنابراین نباید مانع از انجام کارهایی باشیم که هنرمندان ما در این خصوص انجام می‌دهند بلکه باید بتوانیم در کنار آن سلیاق شنیداری مخاطبان را هم ارتقا دهیم. ما باید برای گوش و ذهن شنوندگان ارزش و اهمیت قائل شویم و برای دست زدن به چنین کاری باید کیفیت کار خود را بالا ببریم نه آنچه در روزمرگی ما می‌گردد.

● در ارتباط با فرهنگسرای بهمن وارکستری که در آنجا فعالیت داشت و تعطیل شد کمی توضیح بدهید؟

فرهنگسرای بهمن در زمان آقای بهروز غریب پور تشکیل شد و مدیریت آقای هوشنگ کامکار یک مرکز موسیقی در آنجا دایر کردند و به تبع آن ارکستر سمفونیک در آنجا تشکیل دادند و بعدها زمن دعوت به عمل آمد رهبری این ارکستر را برعهده بگیرم و کنسرت‌های متعددی با آثار آهنگسازان ایرانی با این ارکستر برگزار شد اما بعد از رفتن آقای غریب پور

ارکستر دوام نیاورد و تعطیل شد.

● شما تجربه موفقی هم در ساخت موسیقی فیلم داشته‌اید و حتی برای ساخت موسیقی متن فیلم «مادیان» در چهارمین دوره جشنواره فیلم فجر، موفق به دریافت جایزه لوح زرین و دیپلم افتخار شده‌اید. چه اتفاقاتی موجب شد از این فضا فاصله گرفتید؟

خوشبختانه یا متأسفانه حساسیت خاصی به ساخت آثارم دارم و این نگاه موجب شده کمی در انتخاب کارهایم سخت‌پسند باشم. به همین دلیل هر فیلمی موافق سلیقه من نیست و اگر هم همکاری صورت گرفته، انتخاب من در این سال‌ها بر این اساس بوده که پیش از ساخت موسیقی، همراه با تهیه‌کننده یا کارگردان کار، حلقه‌های فیلم را دیده‌ام و این گونه موافقت خود را اعلام کردم و موسیقی متن آن را نوشتم و چون این موضوع برای همه کارگردان‌ها مقدور نبود که سراغ من بیایند، بر این اساس ترجیح بر این بود به دیگر کارهایم بپردازم. ضمناً حجم کاری من در دانشکده موسیقی بسیار بود و فرصت زیادی از من گرفت. در حال حاضر هم اگر پیشنهادی باشد باید ببینم این فیلم در جایگاهی که باید قرار دارد یا خیر.

● ارزیابی شما از فضای آموزشی آموزشگاه‌های موسیقی چیست؟

در کشور مامسئولیت موسیقی به نهادها و ارگان‌های گوناگون سپرده شده اما نظارت بر آموزشگاه‌های موسیقی برعهده وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است و چون مجوز از این وزارتخانه صادر می‌شود طبیعی است سختگیری‌هایی هم وجود داشته باشد اما این نظارت نباید صوری باشد بلکه باید فنی بوده و مدرسین تعهد کاری داشته باشند چرا که کارهایی که در آموزشگاه‌ها انجام می‌گیرد ارزشمند بوده و بازتاب و بازخورد کل کشور را دارد پس برای هدایت درست آن باید علاوه بر نظارت درست، بودجه خوبی هم اختصاص داده شود. امیدوارم وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نظارت بیشتری بر آموزشگاه‌ها داشته باشد و افراد گزینش شده و توانا را به عنوان ناظر و مسئول این آموزشگاه‌ها بگذارد.

● چرا در بخش پژوهش و تألیف کتب آموزش موسیقی همچنان مشکلاتی وجود دارد و کمتر مورد توجه موسیقیدانان است؟

انجام پژوهش و تحقیق نیازمند فضایی چون دانشگاه است که بودجه محدودی دارند و دست‌تنگی دولت در این زمینه موجب می‌شود در این بخش ضعیف و ضعیف‌تر عمل شود و بودجه‌هایی که اختصاص داده می‌شود بیشتر هزینه روزمرگی کارهای دیگری می‌شود و بر این اساس توجهی به بخش پژوهش نخواهد بود. خود من زمانی که کتاب مبنایی اجرای موسیقی را نوشتم ۲۰ سال زمان برد تا به چاپ رسید که البته بعد از آن مقالات بسیاری نوشتم که به صورت مجموعه‌ای در کتاب اندیشه‌های موسیقایی منتشر شد و در کنار کار پژوهش، به کار در انجمن فیلارمونیک و تشکیل ارکستر سازهای ملی مشغول هستم.

● آیا نیاز است در بخش کتاب‌های دانشگاهی به روزرسانی‌ها بپردازیم؟

بله حتماً همین‌طور باید باشد. از زمان استاد کلنل علینقی وزیر، نت و مکتوبات به عرصه موسیقی وارد شد و بعد از ایشان شاگرد خفشان استاد روح‌الله خالقی را متوجه شد اما ادامه دادند و در وقت، بسیار ارزشمند بودند و قدر دانشان هستیم اما اکنون که در هزاره سوم زندگی می‌کنیم این کتاب‌ها را بدون اشکال نمی‌دانیم و نمی‌توان در کتاب‌های استادان خالقی یا وزیری توقف کرد بلکه باید تصحیحات و تکمالات و ترمیم‌های روی آن انجام بگیرد که باز هم این مسائل به پژوهش در دانشگاه‌ها برمی گردد و دانشگاه تهران و دانشگاه هنر دو دانشگاهی هستند که وظیفه اول را در این خصوص دارند و اگر بودجه آن گونه نباشد که در این دانشگاه‌ها بخش پژوهش و تحقیقات بتوانند در این زمینه حمایت کنند بالطبع در این بخش ضعیف عمل خواهیم کرد.

● اشاره داشتید ارکستر سازهای ملی قرار است تشکیل شود، پیش از انقلاب ارکستری با آموزش‌های ملی به سرپرستی استاد فرامرز پایور تشکیل شده بود این ارکستر جدید را دامه همان ارکستر قبلی است؟

ارکستر سازهای ملی قبل از انقلاب برپه‌ده شد. درواقع وقتی انقلاب شد موسیقی و عنوان واژه آن زیر سؤال رفت البته بعد از انقلاب ارکستری با عنوان «ارکستر ملی ایران» راه‌اندازی شد که به زعم من ارکستر ملی نیست چرا که سازهای غربی در آن به کار برده شده است پس چه تفاوتی با ارکستر سمفونیک تهران دارد! بنابراین تصمیم داریم در انجمن فیلارمونیک ایران ارکستر ملی با سازهای ایرانی راه‌اندازی کنیم که البته با عنوان ارکستر ملی فیلارمونیک خواهد بود و تأکید می‌کنم تمام آموزش‌های تشکیل دهنده این ارکستر نیز ایرانی خواهد بود.

● در حال حاضر به چه کاری مشغول هستید؟

بعد از بازنشستگی به تدریس در دانشکده موسیقی همچنان ادامه دادم تا زمانی که همه گیری کرونا آغاز شد و کلاس‌های حضوری تعطیل شدند و در حال حاضر در فضای آنلاین، تکراس، و رکشاپ و کارگاه‌هایی برگزار می‌کنم. همچنین به کارهای انجمن فیلارمونیک می‌پردازم.

● حرف آخر...

هنر موسیقی از اول انقلاب در ابهام بود و از ابتدا این موضوع را می‌دانستیم و بر کسی پوشیده نبود و می‌دانستیم جمهوری اسلامی و روحانیون نگاه دیگری به موسیقی دارند و این حساسیت‌ها کاملاً قابل پیش‌بینی بودند؛ اکنون که سالیان بسیار گذشته، دانشگاه‌های مایه‌بتع بر نامه‌ریزی‌هایی که انجام گرفته و آموزش رشته‌های متنوع موسیقی، می‌تواند اتفاق خوبی باشد و کارها و قدم‌های بعدی برعهده نسل بعد از ما است. امروز هر کاتال صداوسیما سرشار از صدای موسیقی است و این نشان از شرایط نسبی بهتر برای موسیقی است و باید آجر بیشتری روی آجرها بگذاریم و این بنا را بالاتر ببریم و من انتظار و خواهمش از نسل بعد از خود این است بیکار ننشینند و منتظر نمانند و ره‌وراه گذشتگان و استادان قبل باشند.

دانشگاه باید

مرکزی برای

پرورش و آموزش

دانشجویانی

باشد که این افراد

بتوانند جامعه را

متحول کنند. اگر

قرار باشد فارغ

التحصیلان این

مراکز در جامعه

دنباله رو همان

مسائلی باشند

که در اجتماع

اتفاق می افتد یا

این حساب نباید

منتظرارتقای

دانش و آگاهی

مردم بود. اگر

هم هدف این

افراد دستگیری

جامعه است تا

آنها را به سطح

بالایی بکشاند

قطعا در وهله اول

مقاومت‌هایی

خواهد بود که

چندان مسأله ساز

نیست و بتدریج

سطح نگرش

فارغ التحصیلان

ما و انتظار جامعه

بهم نزدیک

خواهد شد اما

باید صبوری کرد و

قدم‌های مثبت و

ماندگار برداشت

تافاصله بین

فارغ التحصیلان

و جامعه کمتر و

کمتر شود